

واکاوی و تحلیل آسیب‌شناسی معماری تئاترشهر با رویکرد بینامتنیت

۱۴۰۴/۰۱/۳۰

تاریخ دریافت مقاله :

۱۴۰۴/۰۵/۰۷

تاریخ پذیرش مقاله :

حسین توکلیان^۱
حسین سلطان‌زاده^۲ (نویسنده مسئول)
شروین میرشاهزاده^۳
محمد محمدزاده دوگاهه^۴

چکیده

ساختمان تئاترشهر، بنایی شاخص در معماری مدرن ایران به شمار می‌رود. طراحی بنا با الهام از معماری سنتی ایرانی و تلفیق آن با سبک مدرن انجام شده‌است. استفاده از فرم‌های هندسی ساده، همراه با مصالحی چون آجر و بتن، جلوه‌ای ویژه به بنا بخشیده‌است. یکی از چالش‌های مهم در درک آثار معماری، غفلت از لایه‌های متنی و تأثیرگذار بر شکل‌گیری آنها بوده‌است. نظریه بینامتنیت، با بررسی حس و ادراک مخاطب از یک اثر معماری در شبکه‌ای درهم‌تنیده از معانی، ابزاری ارزشمند برای تحلیل ارائه داده‌است. پژوهش حاضر با هدف واکاوی آسیب‌شناسی معماری شاخص تئاترشهر و شناسایی مولفه‌های بینامتنی بر شکل‌گیری بنا انجام شده‌است. هدف اصلی، تحلیل روابط عناصر معماری و ارتباط بینامتنی در معماری تئاترشهر در طول زمان بوده‌است. پرسش اصلی این پژوهش آن است که آسیب‌ها در معماری تئاترشهر کدام بوده‌اند و معماری بنا با نگاه بینامتنیت چگونه تفسیر شده‌است؟ این پژوهش از نوع آمیخته بوده‌است و با بهره‌گیری از روش‌های تحلیلی-توصیفی و تفسیری-تاریخی، به بررسی معماری تئاترشهر پرداخته شده‌است. تجزیه و تحلیل نهایی و تطبیق مفهوم بینامتنیت با ویژگی‌های فضایی و کالبدی تئاترشهر با استفاده از استدلال منطقی صورت گرفته‌است. یافته‌های پژوهش نمایانگر این امر است که شبکه‌ای ارتباط بینامتنیت از لحاظ مفهومی و نحوه شکل‌گیری در تئاترشهر با دیگرام فضایی آن ارتباطی ساختاریافته دارد، ساختار فرم بر پایه‌ی نحوه‌ی سازماندهی بنا است، شکل‌گیری عناصر فرمی مانند خطوط و حجم کلی نمایانگر هندسه‌ی منظم و نحوه اتصال آن با زمین است، دیگرام فضایی تئاترشهر با تأکید بر پلان ساختمان؛ فضایی بینابینی میان پوسته و رواق بیرونی و هسته‌ی ساختمان دارد، سازماندهی فضا به گونه‌ای است که فضاهایی با عملکرد مشخص مانند تئاتر در هسته‌ی بنا و مابقی فضاها به لحاظ عملکرد انعطاف‌پذیر هستند و دور فضاهای اصلی شکل گرفته‌اند؛ در واقع ارتباط با متون در زمینه‌های فرهنگی متفاوت یک ارتباط بینافرهنگی را در تئاترشهر شکل داده‌است.

کلمات کلیدی: تئاترشهر، معماری تئاترشهر، فضاهای تئاترشهر، رویکرد بینامتنیت، بینامتنیت در تئاتر.

۱. گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (Hos.Soltanzadeh@iau.ac.ir)

۳. گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۴. گروه معماری، واحد رودبار، دانشگاه آزاد اسلامی، رودبار، ایران.

* : این مقاله برگرفته از رساله دکتری حسین توکلیان با عنوان تبیین چگونگی تحول معماری فضاهای فرهنگی معاصر در ایران (۱۴۰۰-۱۳۴۰)، است که با راهنمایی دکتر حسین سلطان‌زاده و مشاوره‌ی دکتر شروین میرشاهزاده و دکتر محمد محمدزاده دوگاهه در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی در حال انجام است.

۱. مقدمه

تئاتر شهر، به عنوان یکی از شاخص‌ترین بناهای معماری مدرن ایران، همواره کانون توجه معماران، هنرمندان و پژوهشگران بوده‌است. این بنا، که در دوره‌ای پربار از تحولات فرهنگی و هنری کشور ساخته شد، نه تنها یک فضای نمایشی، بلکه نمادی از آرمان‌ها و ارزش‌های آن دوران به شمار می‌رود. با این حال، تئاتر شهر در طول زمان با چالش‌ها و آسیب‌های متعددی مواجه شده‌است که عملکرد و هویت آن را تحت تأثیر قرار داده‌است. از سوی دیگر، رویکرد بینامتنیت، به عنوان یک روش نوین در تحلیل متون، می‌تواند زوایای جدیدی از این بنا را آشکار کند و به درک عمیق‌تری از تعاملات فرهنگی و هنری آن با سایر متون کمک کند. این پژوهش، با اتخاذ رویکرد بینامتنیت، به واکاوی و تحلیل آسیب‌شناسی معماری تئاتر شهر می‌پردازد و تلاش می‌کند تا با بررسی تعاملات بینامتنی این بنا، به درک بهتری از عوامل موثر در بروز آسیب‌های آن دست یابد.

درک یک اثر معماری به صورت واحد و بدون در نظر گرفتن لایه‌های متنی تأثیرگذار بر شکل‌گیری آن و غفلت از لایه‌های متنی مؤثر بر شکل‌گیری آثار، از مهم‌ترین معضلات حوزه نقد معماری است. بینامتنیت با کشف روابط پنهان و آشکار یک اثر معماری با دیگر متون فرهنگی و تاریخی، درک عمیق‌تری از حس و ادراک مخاطب نسبت به لایه‌های معنایی آن در بستر زمانی و مکانی فراهم می‌کند. به همین دلیل مسئله‌ی اصلی در پژوهش این است که تا با به‌کارگیری نظریه بینامتنیت در نقد معماری، آثار معماری‌ای همچون تئاتر شهر مورد خوانش قرار گیرد. هرچند که بینامتنیت مربوط به حوزه نقد ادبی است اما می‌توان از آن در مواردی همچون خوانش اثر معماری یا سایر متون هنری بهره برد. اما نکته‌ی مهمی که بسیار حائز اهمیت است و کمتر به آن پرداخته شده‌است؛ درک آثار هنری و علی‌الخصوص در باب معماری و شهرسازی، در حوزه مطالعات بینامتنیت می‌باشد. در این پژوهش پس از بررسی نظریات نظریه‌پردازان بینامتنیت به تحلیل آسیب‌شناسی تئاتر شهر پرداخته و در نهایت بینامتنیت در تئاتر شهر مورد واکاوی قرار گرفته‌است.

سوالات اصلی این پژوهش عبارتند از: ۱. چگونه می‌توان با استفاده از رویکرد بینامتنیت، تعاملات فرهنگی و هنری تئاتر شهر با سایر متون را تحلیل کرد؟ ۲. آسیب‌های معماری تئاتر شهر ناشی از چه عواملی هستند؟ ۳. آیا تعاملات بینامتنی ناموفق، نقشی در بروز این آسیب‌ها داشته‌اند؟ ۴. چگونه می‌توان با در نظر گرفتن رویکرد بینامتنیت، راهکارهایی برای رفع آسیب‌های معماری تئاتر شهر ارائه داد؟

هدف اصلی این پژوهش، واکاوی آسیب‌شناسی معماری تئاتر شهر و شناسایی مولفه‌های بینامتنی مؤثر بر شکل‌گیری بنا است. در این راستا، تلاش می‌شود تا با بررسی تعاملات بینامتنی این بنا، به درک عمیق‌تری از عوامل موثر در بروز آسیب‌های آن دست یافت و راهکارهایی برای رفع این آسیب‌ها ارائه شود. این پژوهش، می‌تواند به حفظ و احیای این بنای ارزشمند کمک کند و زمینه‌ای برای مطالعات بیشتر در زمینه معماری و بینامتنیت فراهم آورد.

۲. پیشینه تحقیق

پیشینه‌ی پژوهش حاضر به دو دسته مطالب تقسیم می‌شود: ۱- نظریه بینامتنیت، ۲- معماری تئاتر شهر؛ رحیمی و همکاران در سال ۱۳۹۷ در مقاله‌ای با عنوان شیوه‌ی نوین خوانش متن معماری مبتنی بر نظریه بینامتنیت (نمونه موردی: مسجد الغدیر)؛ به بررسی کاربرد نظریه بینامتنیت در خوانش و تحلیل آثار معماری می‌پردازد. نویسنده در این مقاله، مدلی برای نقد بینامتنی معماری ارائه می‌دهد و سپس با استفاده از این مدل، به تحلیل مسجد الغدیر به عنوان یک نمونه موردی می‌پردازد. این مقاله نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با استفاده از رویکرد بینامتنیت، به درک عمیق‌تری از روابط بین متون مختلف در یک اثر معماری دست یافت. میرهاشمی روته و همکاران در سال ۱۴۰۲ با عنوان تبیین بینامتنی تأثیرپذیری معماری اسلامی از معماری ساسانی در وجوه مفهوم معماری و فناوری ساخت؛ به بررسی تأثیرپذیری معماری اسلامی از معماری ساسانی با تکیه بر نظریه بینامتنیت می‌پردازد. در این مقاله به این موضوع پرداخته شده‌است که چگونه بینامتنیت می‌تواند در بررسی تأثیرات دو معماری بر روی هم موثر باشد. این مقاله نشان می‌دهد که چگونه معماری اسلامی در مفهوم و فناوری ساخت، از معماری ساسانی تأثیر پذیرفته‌است. البرزی و همکاران در سال ۱۴۰۲ در مقاله‌ای

با عنوان تبیین بینامتنی معماری مجتمع‌های تجاری معاصر در ایران (سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۴۰۰ شمسی)؛ به بررسی و تبیین بینامتنی معماری مجتمع‌های تجاری در ایران می‌پردازد و تأثیرات متون مختلف را در شکل‌گیری مجتمع‌های تجاری مورد بررسی قرار می‌دهد.

همچنین مهدی امیری در سال ۱۴۰۰ در مقاله‌ای با عنوان جامعه‌شناسی تئاتر با رویکردی به نظریه‌های اجرا و آسیب‌شناسی اجتماعی؛ به رویکردی بر اجرا و آسیب‌شناسی تئاتر می‌پردازد و تأثیر جامعه‌شناسی در تئاتر بر این رویکرد را بررسی می‌کند. سلمان پندی و همکاران در سال ۱۳۹۳ در مقاله‌ای با عنوان ارتقاء سطح روابط اجتماعی در فضاهای معماری تئاتر؛ به بررسی تأثیر فضاهای معماری تئاتر بر ارتقاء سطح روابط اجتماعی می‌پردازد. در این مقاله به تحلیل چگونگی طراحی فضاهای تئاتر به منظور ایجاد تعاملات اجتماعی بیشتر پرداخته شده است. این مقاله به اهمیت نقش فضاهای معماری تئاتر در ایجاد و تقویت ارتباطات اجتماعی تأکید دارد. در جدول ۱، به بررسی پیشینه‌ی پژوهش درباره تئاتر شهر و رویکرد بینامتنیت پرداخته شده است.

جدول ۱: پیشینه پژوهش

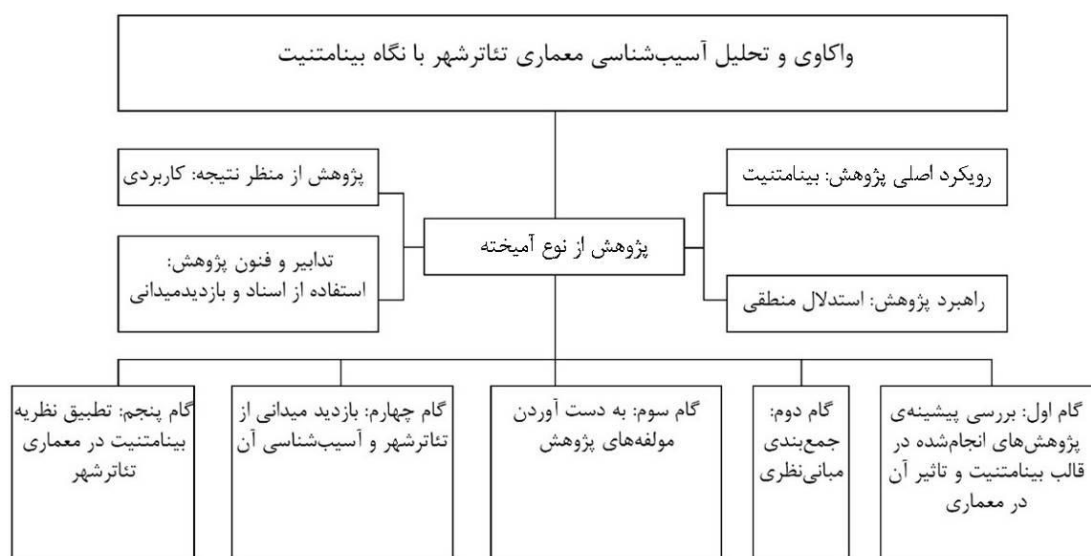
ردیف	عنوان	نام نویسندگان	سال	روش پژوهش	اهداف	نتیجه نهایی
۱	شیوه‌ی نوین خوانش متن معماری مبتنی بر نظریه بینامتنیت (نمونه موردی: مسجد الغدیر)	سمیرا رحیمی اتانی، کاوه بذرافکن و ایمان رئیسی	۱۳۹۷	توصیفی استدلال منطقی	شناخت بینامتنیت و پاسخگویی به این امر	به کارگیری خوانش بینامتنی، از خوانش سطحی آثار معماری جلوگیری می‌کند
۲	Intertextuality and the discourse of postmodern architecture	Rahimi Atani & Raeisi Bazrafkan	۲۰۱۸	استدلال منطقی	ارتباط بین بینامتنیت و معماری پست مدرن	بینامتنیت می‌تواند به عنوان یک ابزار تحلیلی برای درک پیچیدگی‌های معماری پست مدرن مورد استفاده قرار گیرد.
۳	The poetics of space: Intertextuality in contemporary architectural design	Claus Dreyer	۲۰۲۱	استدلال منطقی	بررسی نقش بینامتنیت در طراحی معماری معاصر	بینامتنیت می‌تواند به غنای معنایی و فرهنگی فضاهای معماری کمک کند.
۴	از اقتباس تا بینامتنیت: بررسی مفهوم اقتباس از چشم‌انداز نظریه بینامتنیت و چند اصطلاح کلیدی	صادق رشیدی و فاطمه عظیمی‌فرد	۱۴۰۲	رویکرد تحلیلی	تبیین مفهوم اقتباس از منظر نظریه بینامتنیت	مهم‌ترین پیامدهای نظریه بینامتنیت، انحلال تدریجی مفهوم متن به عنوان یک واحد منسجم است.
۵	تبیین بینامتنی معماری مجتمع‌های تجاری معاصر ایران (سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۴۰۰ شمسی)	پریا البرزی، حسین سلطان‌زاده و سید بهشید حسینی	۱۴۰۰	توصیفی و تحلیل استنتاجی	تبیین بینامتنی معماری مجتمع‌های تجاری، به صورت خوانش ارتباط میان آثار معماری	کاربرد بینامتنیت به صورت بازنمایی‌های تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی و یا تقلید و اقتباس از آثار معماران مطرح غربی است.
۶	بررسی تأثیر ظرفیت سالن‌های مجموعه تئاتر شهر تهران بر تغییر درآمد آنها از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ با تکیه بر نظریات ویلیام بامول	مهدی حامدسقایان و بهادر امیرشاه کرمی	۱۴۰۰	توصیفی-تحلیلی	میزان درآمد سالن‌های تئاتر تهران و مجموعه تئاتر شهر	تماشاخانه‌های مجموعه تئاتر شهر، قادر به جبران کاهش درآمد و افزایش هزینه‌ها نبوده‌اند.

۷	بررسی تطبیقی مولفه‌های موثر بر شکل‌گیری و انتقال خاطرات جمعی در فضاهای عمومی شهری	سحر اسمعیلیان و احسان رنجبر	۱۳۹۰	تاریخی مقایسه و تحلیل محتوا	گذر از فضا به مکان و شکل‌گیری مکان‌های شهری یکی از اهداف مهم در برنامه‌ریزی و طراحی عمومی شهری است.	ترکیب سه مفهوم کالبد مکان، معنای مکان و فعالیت و رویدادهای مکان، مفاهیم پایه‌ای شکل‌گیری خاطره جمعی است.
---	---	-----------------------------	------	-----------------------------	---	--

با توجه به بررسی پیشینه تحقیقات انجام‌شده، می‌توان نتیجه گرفت که اگرچه مطالعاتی به بررسی معماری تئاتر شهر و همچنین کاربرد رویکرد بینامتنیت در تحلیل آثار معماری پرداخته‌اند، اما پژوهشی که به طور خاص به واکاوی و تحلیل آسیب‌شناسی معماری تئاتر شهر با رویکرد بینامتنیت بپردازد، دیده نمی‌شود. این عدم وجود پژوهشی جامع در این زمینه، اهمیت و ضرورت تحلیل آسیب‌شناسی معماری تئاتر شهر با رویکرد بینامتنیت را بیش از پیش نمایان می‌سازد. این موضوع نشان می‌دهد که پژوهش حاضر، با تمرکز بر خوانش فضاهای فرهنگی به خصوص تئاتر شهر با رویکرد بینامتنیت، می‌تواند به عنوان یک پژوهش نوآورانه و ارزشمند در حوزه معماری و مطالعات فرهنگی مطرح شود و به درک عمیق‌تری از تعاملات فرهنگی و هنری این بنای شاخص کمک کند.

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع آمیخته است و از این‌رو که رویکرد اصلی پژوهش بینامتنیت است و بر طبق این رویکرد به تحلیل تئاتر شهر پرداخته شده است؛ از روش تفسیری-تاریخی برای شناخت پیشینه‌ی پژوهش‌های مرتبط درباره‌ی بینامتنیت استفاده شده است، مهم‌ترین قسمت پژوهش حاضر تحلیل بینامتنیت در تئاتر شهر است؛ بنابراین از روش تحلیلی-توصیفی نیز برای تطبیق مولفه‌های شکل‌گیری تئاتر شهر بر اساس رویکرد بینامتنیت استفاده شده است. در مرحله‌ی آسیب‌شناسی تئاتر شهر از تحقیقات میدانی استفاده شده است. در نهایت برای تطبیق آراء بینامتنیت با آسیب‌شناسی تئاتر شهر، از روش استدلال منطقی بهره گرفته شده است. این تحقیق با تکیه بر نظریه بینامتنیت (تحلیل با دیدگاه محور هم‌نشینی و جانشینی، رمزگان، در زمانی و هم‌زمانی و دلالت‌ها) صورت گرفته و در لایه‌های مختلف به بررسی تئاتر شهر پرداخته شده است. ساختار و گام‌های پژوهش در شکل ۱، نشان داده شده است.



شکل ۱: ساختار پژوهش

۴. چارچوب نظری پژوهش

نظریه تعامل متن‌ها یکی از مهم‌ترین مباحثی است که همواره مورد توجه پژوهشگران ساختارگرا [۱] و پس‌اساختارگرا [۲] مانند ژولیا کریستوا [۳]، رولان بارت [۴]، ژرار ژنت [۵] و ژاک دریدا [۶] قرار گرفته‌است. مهم‌ترین اعتقاد نظریه‌پردازان امروزی این است که هیچ متنی معنای مستقل ندارد و هر متن از دیگری تأثیر می‌پذیرد و نتیجه‌ی این امر باعث شکل‌گیری ارتباط است. در واقع نظریه‌پردازان چگونگی و دلیل ارتباط یک متن با متون دیگر را بینامتنیت نامیده‌اند که به اعتقاد گراهام آلن [۷] این عبارت «از رایج‌ترین اصطلاحات مورد استفاده و سوءاستفاده در واژگان نقادی معاصر است».

یکی از بخش‌های تأثیرگذار در ادبیات معماری، نقد معماری است؛ به اینگونه که گویی اکثر تحولات در معماری بر پایه‌ی نقد شکل می‌گیرد. در تاریخ معماری معاصر افراد زیادی زحمات فراوانی در باب نقد معماری کشیده‌اند و نظریات ارزشمندی از خود به جای گذاشته‌اند؛ به گونه‌ای که حتی می‌توان دلیل ظهور سبک‌های مختلف یا کناره‌گیری دیگر سبک‌ها را از اثرات نقد معماری برشمرد. به عنوان نمونه، لوکوربوزیه [۸] به ترسیم معیارهای معماری مدرن و نقد معماری کلاسیک می‌پردازد. (Le Corbusier, 1985) همچنین رابرت ونتوری [۹] به ترسیم معیارهای معماری پست‌مدرن و نقد معماری مدرن پرداخته (Venturi, 1995) و در این راه منتقدی مانند چارلز جنکز [۱۰] نیز معماری پست‌مدرن را تثبیت می‌نماید (Jencks, 2000). از سوی دیگر کنت فرامپتون [۱۱] ضمن نقد معماری دوره مدرن، به گسترش مفهوم نقد در معماری کمک شایانی کرده‌است (Frampton, 2007).

پیتر کالینز [۱۲] به قیاس‌ها و تعبیر گوناگونی که نشانگر رهیافت‌های نقادانه‌اند، پرداخته‌است که عبارت‌اند از: قیاس‌های زیست‌شناسانه، قیاس‌های مکانیکی و تعبیر محتواگرایانه، قیاس‌های مکانیکی و تعبیر محتواگرایانه، قیاس متکی بر علوم تغذیه و قیاس زبان‌شناسی (Collins, 1965). این نوع دسته‌بندی شباهت بسیاری به دسته‌بندی انواع نقد در منابع ادبی و حوزه‌های دیگر هنر دارد. برنو زوی [۱۳] به دسته‌بندی برداشت‌ها در سه دسته‌ی محتواگرایانه (تعبیر سیاسی، فلسفی، علمی، اقتصادی-اجتماعی و مادی‌گرایانه) جسمی-روانی و صورت‌گرایانه پرداخته‌است؛ دسته‌بندی وی تا حدودی به دسته‌بندی کالینز شباهت دارد (Zevi, 1956). پیتر کالینز در پژوهشی دیگر به سه زمینه در کار نقادی پرداخته که عبارت‌اند از: زمینه‌های محیطی، زمینه‌های سیاسی و زمینه‌های عرفی (Collins, 1971). وین اتو [۱۴] به شناسایی شیوه‌های نقد معماری به شیوه‌های نقد ادبی پرداخته و در نتیجه پاره‌ای از شیوه‌های نقد معماری را با اقتباس از دسته‌بندی‌های مرسوم در حوزه‌ی نقد ادبی انجام داده‌است. وی ده نوع نقد معماری را در قالب سه دسته معرفی کرده‌است که عبارت‌اند از: نقدهای معیاری [۱۵]، تفسیری [۱۶] و توصیفی (Otto, 1978).

گراهام آلن کتابی درباره‌ی بینامتنیت نوشت که تا سال‌های متمادی مورد توجه پژوهشگران این عرصه بود؛ در این کتاب مفهوم بینامتنیت مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرد. ریشه‌های پیدایش این مفهوم را در نظریات سوسور و باختین و گسترش و تنوع آن را در آثار پس‌اساختارگرایی، پسامدرنیسم و فمینیسم پسامدرن مورد کنکاش قرار می‌دهد (Allen, 2005). از دیگر پژوهشگرانی که در حوزه بینامتنیت پژوهش انجام دادند؛ می‌توان به بهمن نامور مطلق اشاره کرد. ایشان در کتاب خود به بررسی آراء نظریه‌پردازان در باب بینامتنیت و نمونه‌های کاربردی آن پرداخته‌است. (Namvar Motlagh, 2016).

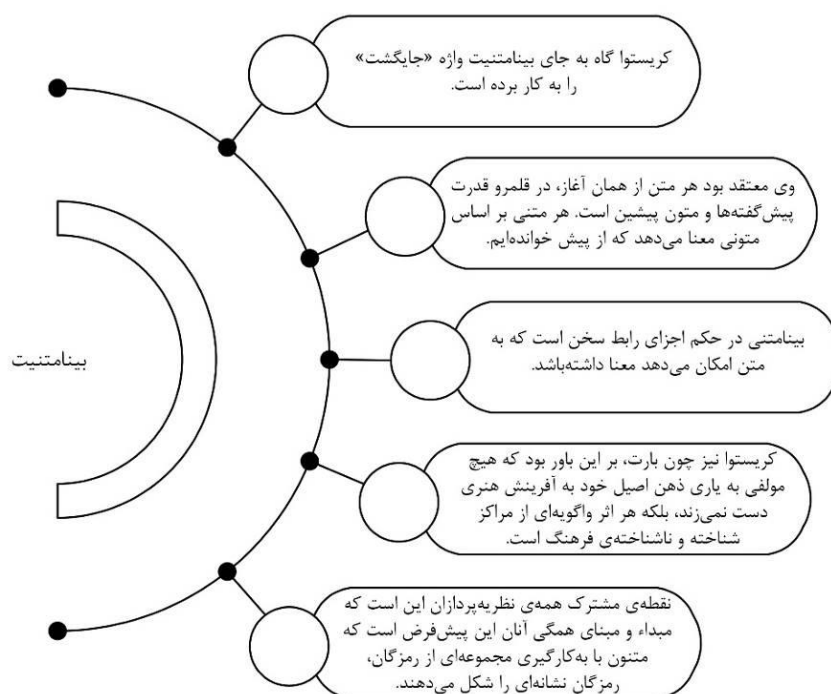
اولین بار در دهه ۱۹۶۰، ژولیا کریستوا [۱۷] واژه بینامتنیت را مطرح کرد و در نتیجه مطالعات وی درباره اندیشه‌های باختین [۱۸] به‌ویژه مبحث مکالمه‌باوری، دیدگاه‌های سوسور به‌ویژه موضوع آناگرام و پاراگرام، آرای لاکان به‌ویژه امور نشانه‌ای و نمادین و نظریات چامسکی درباره‌ی متون زایشی و پدیداری مطرح شد. ژولیا کریستوا و رولان بارت را می‌توان بنیان‌گذاران بینامتنیت دانست.

منظور کریستوا از بینامتنیت ارتباط شبکه‌ای متن‌ها با یکدیگر است. وی همواره بر محور و رابطه‌ی هم‌زمانی و نه درزمانی تأکید می‌ورزد و از نظر وی عامل اساسی پویایی متن بینامتنیت است. بینامتنیت، چنانکه ژولیا کریستوا می‌نویسد، «پیش از

هر چیز از گفتگوی بی‌پایان میان متن، نویسنده، خواننده و زمینه‌ی فرهنگی و گفتمانی که در آن متن نوشته شده و سپس خوانده می‌شود، حکایت می‌کند» (Kristeva, 1980).

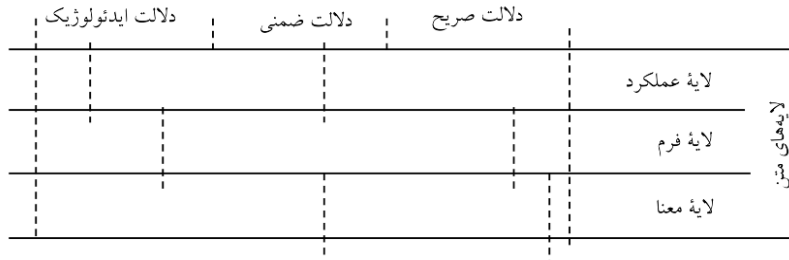
در واقع به جای «سلسله‌مراتب» از «شبکه» صحبت می‌کند. خود بینامتنیت پارادایمی است در حوزه‌ی روش‌شناسی که به تحلیل در زمانی و هم‌زمانی می‌پردازد؛ به همین دلیل است که متون می‌توانند در کنار هم قرار بگیرند حتی اگر هم‌زمان باشند.

هم‌نشینی لایه‌های متفاوت نشان می‌دهد که متن معماری لایه‌ای است؛ برهم‌کنش لایه‌های معماری نیز طرح معماری را شکل می‌دهد که این لایه‌های متعدد محصول دو فرایند خوانش و تولید می‌باشد. در واقع معماری با فرایند تولید خلق می‌شود و معنای آن در فرایند خوانش تجلی می‌یابد. با بینامتنیت می‌توان عمق هر لایه را جست‌وجو نمود و نظامی پیوسته از هم‌نشینی لایه‌ها با یکدیگر را نسبت به متون دیگر و فرهنگ ارائه نمود. (Sojoodi, 2008)



شکل ۲: تعاریف بینامتنیت

یکی از شاخه‌های نشانه‌شناسی، بینامتنیت است که هدف آن رمزگشایی و دلالت‌پردازی می‌باشد. در واقع پیوند بین دال و مدلول از طریق نشانه روشن می‌شود که اصطلاحاً آن را «دலالت» نام‌گذاری می‌کنند. بارت کامل‌ترین تقسیم‌بندی دلالت را ارائه داده‌است: ۱- دلالت مستقیم: یک دال و مدلول؛ ۲- دلالت ضمنی: دال آن نشانه‌های دال و مدلول مستقیم است و یک مدلول اضافی به آن اضافه می‌شود؛ ۳- دلالت ایدئولوژیک: از تلفیق دلالت مستقیم و ضمنی به وجود می‌آید که از نظر بارت سلسله‌مراتب دلالت است. در شکل ۳، ارتباط بین لایه‌های متن معماری (فرم، عملکرد، معنا) با انواع دلالت از دیدگاه بارت (صریح، ضمنی، ایدئولوژیک)



شکل ۳: ارتباط لایه‌های متن معماری و نظام نشانه‌ای (رجیمی اتانی، ۱۳۹۷، ۶)

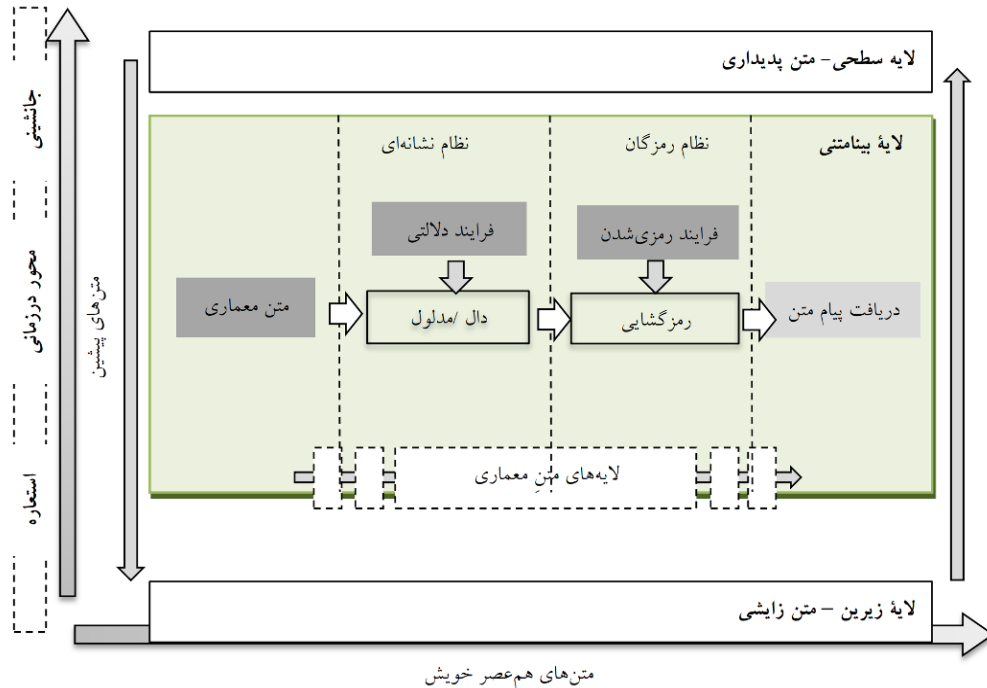
متن معماری دارای لایه‌های متفاوتی است که به دلیل عملکرد رمزگان‌های متعدد به وجود آمده‌است. امکان تولید متن توسط رمزگان به وجود می‌آید و در واقع متن معماری محصول عملکرد تعاملی بین شبکه‌ای از رمزگان‌هاست. طبق نظر امبرتو اکو، به طور کلی رمزگان معماری را می‌توان به این صورت طبقه‌بندی کرد: رمزگان فنی، رمزگان معنایی و رمزگان فنی که در جدول ۲، قابل مشاهده است.

جدول ۲: سه دسته رمزگان‌های کالبدی معماری

رمزگان کالبدی معماری		
رمزگان معنایی	رمزگان نحوی	رمزگان تکنیکی/فنی
-عناصر منفرد در ارتباط با دلالت‌های یک‌به-یک و ضمنی	-عناصر معماری در رابطه‌ای هم‌نشینی -راهرو با حیاط/پله‌ها با پنجره	-عناصر نخستین معماری -کف بنا، سیم‌کشی، سازه‌های سیمانی

بر اساس نظریه‌ی بینامتنیت، اثر معماری به منزله یک متن شامل لایه‌های متنی گوناگونی است که در دو محور درزمانی و هم‌زمانی با توجه به متن‌های پیش از خود و متن‌های هم‌عصر خویش شکل گرفته‌است. به منظور دریافت پیام اثر معماری، لایه‌های متنی در محور عمودی (محور جانشینی) رمزگشایی می‌گردند تا نظام رمزگان‌های آن مشخص گردد. نظام‌های رمزگانی در یک اثر معماری قابل دستیابی هستند عبارت‌اند از: رمزگان‌های معنایی، جنس و بافت، شکل و فرم، کارکرد و شیوه‌ی ساخت. در محور افقی (محور هم‌نشینی) نظام نشانه‌ای (روابط دال و مدلول) انواع دلالت مورد بررسی قرار می‌گیرد که در سه دسته‌ی اصلی دلالت مستقیم (عملکرد، فرم ظاهری و جنس مصالح)، دلالت ضمنی (ایده، مفهوم و روابط فضایی) و دلالت ایدئولوژیک (سبک) اثر را مورد خوانش قرار می‌دهد؛ که در شکل ۴، به این امر اشاره شده‌است.

بنابراین نظریه بینامتنیت، با گسترش مفهوم "متن" فراتر از نوشتار به اشکال مختلف فرهنگی از جمله معماری، ابزاری قدرتمند برای تحلیل آثار معماری فراهم می‌آورد. این رویکرد به معماری به عنوان متنی متشکل از لایه‌های معنایی گوناگون می‌نگرد که نه تنها از طریق فرم، عملکرد و مصالح خود دلالت‌گری می‌کند، بلکه در گفت‌وگو با متون پیشین، معاصر و آتی نیز قرار می‌گیرد. از این منظر، یک بنای معماری می‌تواند ارجاعاتی ضمنی یا صریح به سبک‌های تاریخی، نمادهای فرهنگی، ایدئولوژی‌های اجتماعی یا حتی دیگر بناهای شاخص داشته باشد. تحلیل بینامتنی در معماری به افراد امکان می‌دهد تا چگونگی شکل‌گیری حس و ادراک مخاطب از یک فضا را درک کنند، چرا که این ادراک نه تنها از ویژگی‌های کالبدی بنا، بلکه از شبکه‌ی درهم‌تنیده‌ای از معانی و ارجاعات فرهنگی که بنا حامل آن‌هاست، نشأت می‌گیرد. این رویکرد به ویژه در واکاوی آسیب‌شناسی و درک تغییرات هویتی بناها، با شناسایی گسست‌ها یا تداوم‌های بینامتنی، ارزشمند است.



هم‌نشینی محور هم‌زمانی مجاز

شکل ۴: خوانش اثر معماری در دو محور هم‌زمانی و در زمانی

۵. بحث و یافته‌ها

تئاتر شهر یکی از بزرگ‌ترین مجموعه‌های نمایش تئاتر در ایران است که دارای پنج سالن می‌باشد. این بنا در سال ۱۳۴۶ توسط علی سردار افخمی یکی از شاگردان هوشنگ سیحون طراحی شد و پس از پنج سال، ساخت آن به اتمام رسید. معماری این بنا از برج طغرل الهام گرفته شده است و مصالح آن نیز ترکیبی از آجر و کاشی می‌باشد. کاشی‌های انتزاعی و آجرهای برجسته برگرفته از معماری دوره‌ی ایلخانیان می‌باشد و ستون‌های قرینه‌ی آن برگرفته از تخت جمشید است. مساحت زیربنای این ساختمان، ۵۶۰۰ مترمربع است و قطر تقریبی آن ۳۴ متر و ارتفاع آن ۱۵ متر است.



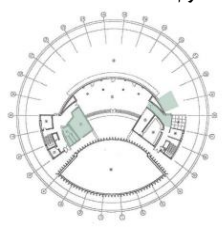
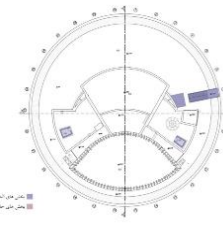
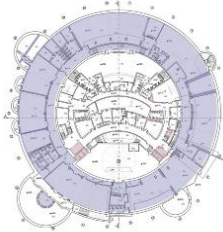
شکل ۵: تصویر تئاتر شهر

از آنجا که تئاتر شهر بنایی شاخص و مهم است، آسیب‌شناسی آن برای حفظ ارزش و عملکردش از اهمیت بالایی برخوردار است. جهت انجام مطالعات آسیب‌شناسی، نیاز به بخش‌بندی هر بنا ضروری است، اما نکته‌ی مهم این است که هر آسیبی که به بنا وارد می‌شود خود معلول آسیب‌های دیگری است که به بنا وارد شده است. بنابراین با یک مشاهده‌ی صرف و

ساده علت اصلی آسیب بنا را نمی‌توان تشخیص داد و نکته‌ی مهمی که نادیده گرفته می‌شود این است که ممکن است آسیب اصلی در وهله‌ی اول دیده نشود و قابل شناسایی نباشد. آسیب‌شناسی بنا درواقع قضاوت در مورد علل و طبیعت آسیب‌های گوناگون (همچون ترک‌ها، پوسیدگی‌ها و تغییر شکل‌ها) است که بنا را تحت‌تأثیر خود قرار داده‌اند. دلیل وجود آسیب و عارضه در بنا به دلیل عدم تعادل می‌باشد؛ بنابراین اصلی‌ترین کار قبل از هر مرمتی، تشخیص عارضه و ریشه‌یابی آن می‌باشد. در این بخش از پژوهش به بررسی آسیب‌های معماری تئاتر شهر پرداخته می‌شود. آنچه در فرآیند آسیب‌شناسی معماری موردتوجه قرار می‌گیرد، توجه به سه بخش فضا، جزئیات و تزئینات است که در ترکیب با یکدیگر ساختار معماری اثر را پدیدآورده و به آن غنا بخشیده‌اند. فن بررسی آسیب‌شناختی در جدول ۳، بر مبنای سیر از عارضه به عامل است.

جدول ۳: آسیب‌شناسی معماری تئاتر شهر

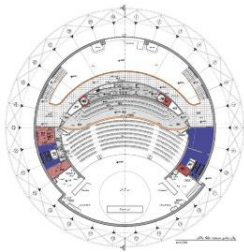
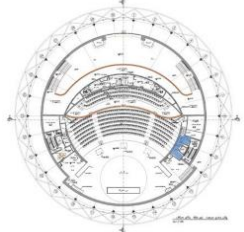
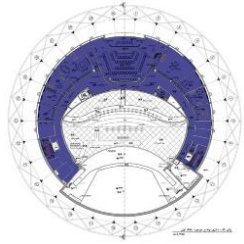
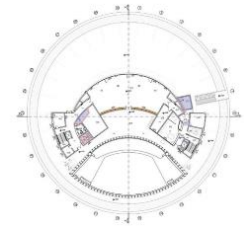
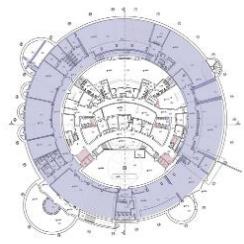
ردیف	پلان	تصویر	توضیحات
۱	طبقه همکف		- تغییرات فضایی گسترده‌ای صورت نگرفته است. - فضاهای جدید با استفاده از پارتیشن و شیشه (غیر ثابت و قابل حذف) به مجموعه اضافه شده‌است. - الحاقات جدید باعث عدم همگونی در پلان و عدم تقارن شده‌است.
۲	طبقه بالکن		- یک در چوبی راهرو راه پله شرقی را جدا کرده و دسترسی به آسانسور در این طبقه را محدود کرده‌است. - آبدارخانه این بخش در حال حاضر بلااستفاده است.
۳	نیم طبقه بالای همکف		- این طبقه بین طبقه بالکن و طبقه اول قرار دارد. - تنها از یک فضای متروک در ضلع شرقی به عنوان انبار و مسیر عبور لوله‌های تأسیسات استفاده می‌شود.
۴	طبقه اول اداری		- مهم‌ترین تغییر در این طبقه مربوط به اتاق کنفرانس است. - کاربری آن از سالن تمرین به دو اتاق مترجم و تنظیم نور تغییر کرده‌است. - دکوراسیون داخلی آن نیز تغییرات اساسی داشته است. - سقف کاذب سراسری ارتفاع اتاق را کاهش داده‌است.

۵	طبقه دوم			- در طبقه دوم، فضای اصلی از رستوران به کتابخانه تغییر کاربری داده است. - الحاقتات انجام‌شده روی بام در گذشته جمع‌آوری شده‌اند. - تغییر در دیوار راهرو و اتاق هواساز. - مسدود کردن بخشی از راهرو و تبدیل آن به انبار کتابخانه در ضلع شرقی.
۶	پشت بام			- الحاقتات قبلی به دلیل وزن و انتقادات برچیده شده‌اند. - الحاقتات فعلی شامل آبدارخانه حراست، رمپ انتقال تجهیزات تأسیساتی و اتاقک‌های آسانسور است. - مسدود شدن بخشی از گاتر در ضلع شرقی باعث اختلال در شیب‌بندی شده‌است. - عایق فعلی پوسیده شده و شیب‌بندی نامناسب در برخی نقاط باعث جمع شدن آب شده‌است.
۷	طبقه زیرزمین			- زیرزمین مجموعه بیشترین تغییرات را در طول زمان تجربه کرده‌است. - فضای اطراف به پارکینگ اختصاص داشته‌است. - تغییرات با اضافه شدن سالن نمایش چهارسو و فضاهای جانبی آن (کافه، رختکن، سرویس بهداشتی) در فضای پارکینگ شروع شد. - این روند به تدریج ادامه یافت و در نهایت تمام فضای پارکینگ به سالن‌های نمایش، کافه، رختکن، سرویس بهداشتی، تأسیسات و انبار تبدیل شد.

پس از شناخت و تحلیل آسیب‌های موجود معماری، نوبت آسیب‌شناسی جزئیات معماری است؛ که در جدول ۴، به طور خلاصه به آن اشاره شده‌است.

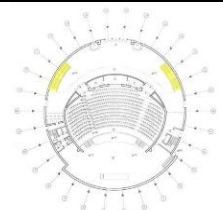
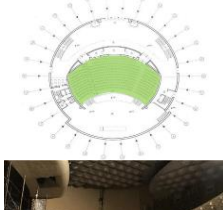
جدول ۴: آسیب‌شناسی جزئیات معماری تئاتر شهر

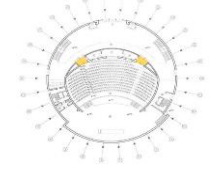
ردیف	پلان	تصویر	توضیحات
۱	طبقه همکف		- الحاقتات کف‌سازی عمدتاً در راه‌پله‌های ارتباطی شرقی و غربی با سنگ تراورتن ۳۱*۳۱ سانتی‌متری انجام شده‌است. - در بخش سن نمایش نیز یک لایه سیمان به کف اضافه شده‌است. - بین ستون‌ها صندلی‌های شش‌ضلعی سنگی به همراه گلدان نصب شده‌است.

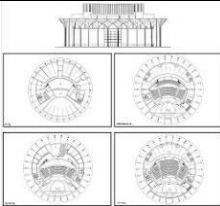
• الحاقات جدید (نمازخانه، دفتر فروش بلیت، گیت بازرسی بانوان) باعث عدم همگونی در پلان و عدم تقارن شده‌است. • بیشتر آسیب‌ها مربوط به دریچه‌های تأسیساتی و عدم اتصال مناسب بندکشی به کاشی‌کاری نما است. • یک در چوبی راهرو راهپله شرقی را جدا کرده و دسترسی به آسانسور را محدود کرده‌است.		طبقه بالکن 	۲
• به جز راهپله ارتباطی شرقی و غربی، حذف و الحاقی در جزئیات کف رخ نداده‌است. • قاب درها با سنگ پوشانده شده‌است.		نیم طبقه بالای همکف 	۳
• در تعمیرات سال ۱۳۸۶، یک سقف کاذب سراسری مشبک و یک نوار سقف کاذب از کناف به سقف راهرو سراسری اضافه شده‌است. • ازاره‌های سنگی تراورتن به ارتفاع ۱۲۰ سانتی‌متر در سراسر راهرو ارتباطی این طبقه نصب شده‌است. • علاوه بر سقف کاذب آلومینیومی قابل برداشت، یک سقف کاذب پنل گچی به صورت نوار در زیر سقف آلومینیومی اجرا شده‌است.		طبقه اول 	۴
• کف‌سازی‌های سنگی به صورت غیر اصولی و نامناسب اجرا شده‌است. • در ابتدا دیوارهای این طبقه با رنگ روغن و قرنیز ۱۱ سانتی‌متری پوشیده شده‌بود، اما در سال ۱۳۲۶ ازاره‌ای به ارتفاع ۱۲۱ سانتی‌متر از سنگ تراورتن به آنها اضافه شده و قسمت بالایی دیوار همچنان رنگ روغن است.		طبقه دوم 	۵
• کف‌سازی‌های جدید هیچ شباهتی به کفیوش‌های اصلی (موزاییک‌های شش‌ضلعی و مربع قرمز رنگ) نداشته و از نظر بصری و زیبایی‌شناسی به ظاهر بنا آسیب رسانده‌اند. • به جزئیات اتصال به کف‌سازی اتاق‌ها و راهروها و تراز آن‌ها توجه چندانی نشده‌است.		طبقه زیرزمین 	۶

در جداول آسیب‌شناسی به طور صریح و مستند، مشکلات و کاستی‌های کالبدی، عملکردی و معنایی معماری تئاترشهر شناسایی و طبقه‌بندی شد و مبنایی عینی برای تحلیل فراهم می‌آوردند. در کنار این آسیب‌شناسی دقیق، رویکرد بینامتنیت نقش محوری ایفا می‌کند؛ این رویکرد تحلیل می‌کند که چگونه هر یک از آسیب‌های شناسایی شده، گفت‌وگوی بینامتنی بنا را با متون فرهنگی، تاریخی و ایدئولوژیک پیشین مختل کرده و بر هویت و معنای آن تأثیر گذاشته است. این ترکیب نه تنها چرایی و چگونگی تأثیر آسیب‌ها را در بستر معنایی تبیین می‌کند، بلکه به کشف یافته‌های بدیع و نوآورانه نیز منجر می‌شود که صرفاً از مشاهده آسیب‌ها یا مطالعه جداگانه بینامتنیت قابل دستیابی نیستند. بنابراین، تلفیق آسیب‌شناسی و رویکرد بینامتنیت برای ارائه درکی جامع و عمیق از پاتولوژی معماری تئاترشهر و پیامدهای آن، حیاتی است. به این منظور در این بخش از پژوهش در نظر است تا مجموعه‌ی تئاترشهر با رویکرد بینامتنیت مورد بررسی قرار گیرد؛ که جدول ۵، بدین منظور گردآوری شده‌است.

جدول ۵: نقد بینامتنی تئاترشهر

نقد بینامتنی تئاترشهر		تصویر	توضیحات
لایه‌های متن معماری	عملکرد	صریح	روابط پلانی
			- قرینگی راه‌پله: تبدیل تئاترشهر به متنی که تقارن به عنوان اصول معماری کلاسیک و معماری سنتی ایران - مشترک‌بودن فضای بینابینی با ایده شکل‌گیری بنا - این فضا دلالت‌پردازی جای دلالت-گری را می‌گیرد.
	ضمنی	سلسله‌مراتب فضایی	 
	ایدئولوژیک	ایده	 
	فرم	صریح	جنس مصالح
			سازماندهی فضایی تئاتر شهر، با قراردادن فضاهای ثابت و با عملکرد مشخص در هسته و فضاهای انعطاف‌پذیر و قابل تغییر در اطراف آن، نشان می‌دهد که این بنا، متنی چند عملکردی است. تئاتر شهر در دورانی ساخته شده‌است که معماری مدرن در حال اوج گرفتن بوده‌است، پس می‌توان احتمال داد که مفاهیم معماری مدرن تالار بکمن در آن تأثیرگذار بوده‌است. همنشینی مصالحی مانند بتن، آجر، فلز، و شیشه، نه تنها به تنوع بصری بنا کمک می‌کند، بلکه به ایجاد یک گفت‌وگوی بینامتنی بین این مصالح نیز منجر می‌شود.

لایه‌های متن معماری			آرایه	معماری تئاترشهر، با استفاده از تزیینات و عناصری که دلالت‌هایی از فرهنگ‌های مختلف را در خود جای داده‌اند، یک ارتباط «بینافرهنگی» را ایجاد می‌کند.	
			هندسه و تناسب	استفاده از ماندالا در معماری تئاترشهر، به عنوان یک نقش کهن، یک ارتباط بینامتنیت افقی را با سایر آثار معماری که از این نقش استفاده کرده‌اند، ایجاد می‌کند.	
	معنا	صریح	عناصر کالبدی	زبان ساختاری معماری تئاترشهر، هم‌سو با واژگان معماری مدرن هم‌عصر خود است و در شبکه‌ی ارتباط با سایر آثار معماری مدرن قرار می‌گیرد.	
		ضمنی	ورودی	در تئاترشهر، ارتباط بینامتنی با سایر آثار معماری، به ویژه آثار معماری مدرن، از طریق اشاره به مفاهیم مشترکی مانند فرم‌های هندسی ساده، استفاده از مصالح مدرن، و فضاهای باز و روشن، صورت می‌گیرد.	
			رنگ و نور	هماهنگی خط آسمان، فضاهای پر و خالی، و شکاف دور بنا در معماری تئاترشهر، از طریق یک نظام نشانه‌شناسانه، رابطه دال و مدلول را نمایان می‌کند.	
	ایفولوژیک	سبک		ارتباط بینامتنی که بر اساس مفاهیم مشترک و نحوه‌ی شکل‌گیری فرم صورت می‌گیرد، یک ارتباط بینامتنی قوی ایجاد می‌کند. ارتباط بینامتنی در معماری تئاترشهر، بیشتر به لحاظ مفهومی و نحوه‌ی شکل‌گیری فرم است، تا ارتباطی بر پایه‌ی حضور مشترک و اشکال و صورت‌ها.	

				مفهوم		تاکید بر پلان و مقطع، فضای بینابینی، و برنامه‌ی انعطاف‌پذیر در معماری تئاتر شهر، آن را در ارتباط بینامتنی با شبکه‌ای از بناهای مشابه قرار می‌دهد.
نظام رمزگان	فنی یا تکنیکی	تئاتر شهر، با استفاده از عناصر و مفاهیم معماری گذشته ایران، یک ارتباط «بینافرهنگی» را ایجاد می‌کند. حجم استوانه‌ای تئاتر شهر، با ارتفاع مشخص و هماهنگی پلان و اجزای معماری، نمادی از خلوص و سادگی در معماری مدرن است. کل بنا، کثرت را به وحدت رسانده است، و این، یکی از مفاهیم بنیادین معماری ایرانی است.				
	نحوی	می‌توان گفت طراحی ورودی تئاتر شهر، به نوعی یک متن معماری است که با سایر ورودی‌های بناهای فرهنگی و هنری در گفت‌وگو است. این گفت‌وگو، می‌تواند به صورت آگاهانه یا ناخودآگاه، مستقیم یا غیرمستقیم، باشد.				
	معنایی	کارکرد صریح تئاتر شهر، برگزاری نمایش‌های تئاتر است. کارکرد ضمنی آن، ایجاد فضایی برای تعاملات اجتماعی و فرهنگی است. این دو کارکرد، در کنار هم، به ایجاد یک فضای پویا و جذاب کمک می‌کنند. می‌توان گفت طراحی فضاهای داخلی تئاتر شهر، به نوعی یک متن معماری است که با سایر فضاهای فرهنگی و هنری در گفت‌وگو است.				

ترکیب رویکرد بینامتنیت با تحلیل آسیب‌شناسی معماری تئاتر شهر، بینش‌های عمیقی را آشکار ساخته که صرفاً با بررسی جداگانه هر یک از این دو بخش قابل دستیابی نبودند. یافته‌های تحقیق به وضوح نشان داد که بسیاری از آسیب‌های کالبدی و عملکردی مشاهده‌شده در تئاتر شهر، در واقع ریشه‌های عمیق‌تری در گسست‌های بینامتنی دارند. این تحلیل نشان داد که چگونه عدم درک و توجه به دلالت‌پردازی لایه‌لایه درون‌متنی و روابط بینامتنی بنا با متون فرهنگی و تاریخی پیرامون خود در طول دوره‌های مرمت و الحاق، به از دست رفتن "کانسپت اصلی" و "هویت معنایی" بنا منجر شده است. به جای آنکه صرفاً به تشریح تغییرات فیزیکی بپردازیم، این پژوهش فراتر رفته و کشف کرد که آسیب‌ها چگونه گفت‌وگوی بنا با رمزگان‌های پیشین را دچار اختلال کرده و به "کسالت محیط" و تضعیف لایه‌های معنایی آن انجامیده‌اند، یافته‌ای که بر اهمیت خوانش معماری به مثابه یک متن زنده و پویا تأکید دارد.

۶. نتیجه‌گیری

تئاتر شهر به عنوان یک بنای فرهنگی با سابقه‌ای نزدیک به ۵۰ سال، از فضاهای جمعی مهم در تهران به شمار می‌رود؛ بنابراین، آسیب‌شناسی و شناخت دلایل اصلی هر عارضه‌ای که در آن رخ می‌دهد، در راستای حفاظت از این بنا امری ضروری باشد. به نظر می‌رسد عمده آسیب‌های وارد شده به این بنا شامل الحاقات نادرست و نامناسبی است که در مرمت‌های گذشته صورت گرفته است. همچنین، برخی فضاها به گونه‌ای حذف یا الحاق شده‌اند که سرزندگی پیشین خود را از دست داده و به فضاهایی متروک تبدیل شده‌اند. علاوه بر این، به دلیل نبود مصالح مشابه با مصالح اولیه، از مصالحی متفاوت با هویت و نحوه شکل‌گیری بنا استفاده شده است. در نتیجه، به نظر می‌رسد در صورت عدم اصلاح آسیب‌های وارده، کانسپت اصلی بنا در معرض خطر قرار گرفته و در نهایت هویت خود را از دست داده و امکان خوانش آن با رویکردهایی نشانه‌شناسانه همچون بینامتنیت به طور کامل وجود نخواهد داشت.

برای شناخت روابط میان تئاتر شهر، در وهله اول، ارزیابی دلالت‌های صریح اثر و شبکه‌های متنی آن ضروری باشد و سپس وارد سطح دوم خوانش یا دلالت‌های ضمنی اثر با دیگر آثار مرتبط با تئاتر شهر مانند برج طغرل و تالار بکمن شد. در این سطح، ارتباط‌های بینامتنی تئاتر شهر به واسطه روابط موجود میان اجزای آن خوانش می‌شود، یا به عبارتی، چنین خوانشی با استفاده از متن‌های پیشین صورت می‌گیرد. در واقع، به نظر می‌رسد نوعی دلالت‌پردازی به صورت لایه‌لایه در شبکه درون‌متنی در جریان است.

مولفه‌های صریح بینامتنیت در تئاتر شهر شامل عناصری هستند که به طور مستقیم و آشکار به متون معماری یا فرهنگی دیگر ارجاع می‌دهند. این موارد می‌توانند شامل فرم‌های هندسی ساده، استفاده از مصالحی چون آجر و بتن (که به معماری

سنتی ایرانی و سبک مدرن ارجاع دارند)، یا قرینگی راه‌پله و اصول معماری کلاسیک باشند. در آسیب‌شناسی، زمانی که الحاقات جدید، عدم همگونی در مصالح، یا تغییرات در پلان اصلی اتفاق می‌افتد، این دلالت‌های صریح بنا دچار اختلال می‌شوند. مثلاً استفاده از مصالح متفاوت یا حذف و اضافه کردن عناصر بدون توجه به زبان فرمی اولیه، گفت‌وگوی آشکار بنا را با ریشه‌های خود قطع کرده و به گسست‌های بصری و هویتی منجر می‌شود که مستقیماً در جداول آسیب‌شناسی قابل مشاهده است.

مولفه‌های ضمنی بینامتنیت در تئاتر شهر، به ارجاعات پنهان‌تر و ناخودآگاه‌تری اشاره دارند که نیازمند تفسیر عمیق‌تری هستند. این موارد شامل نحوه ادراک فضاها، حس پویایی یا سکون، یا لایه‌های معنایی که از ترکیب فرم‌ها و عملکردهای مختلف به وجود می‌آیند، می‌شود. آسیب‌شناسی نشان می‌دهد که چگونه تغییرات در کاربری فضاها، عدم نگهداری مناسب، یا متروک شدن بخش‌هایی از بنا، بر این مولفه‌های ضمنی تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال، اگر فضایی که قبلاً محلی برای تعاملات اجتماعی بوده، اکنون به دلیل آسیب‌ها یا تغییر کاربری، حس "فضای مرده" را القا کند، دلالت‌های ضمنی آن تغییر کرده و این آسیب بر تجربه و ادراک مخاطب از بنا تأثیر منفی می‌گذارد. این آسیب‌ها اغلب کمتر عینی هستند اما بر کیفیت کلی فضای معماری تأثیر شگرفی می‌گذارند.

مولفه‌های ایدئولوژیک بینامتنیت عمیق‌ترین لایه را شامل می‌شوند و به ارزش‌ها، باورها و گفتمان‌های مسلطی اشاره دارند که در طراحی و ادراک تئاتر شهر نقش داشته‌اند. این شامل مفاهیمی مانند تأکید بر پلان، مقطع، فضای بینایی و برنامه انعطاف‌پذیر که نشان‌دهنده یک تفکر مدرن و در عین حال ریشه‌دار در فرهنگ ایرانی است، می‌شود. آسیب‌شناسی در این سطح، نشان می‌دهد که چگونه مداخلات یا غفلت‌ها می‌توانند به ایدئولوژی زیربنایی بنا آسیب بزنند. وقتی کانسپت‌های اصلی طراحی نادیده گرفته می‌شوند، یا تغییراتی اعمال می‌گردد که با فلسفه وجودی بنا در تضاد است (مثلاً از بین رفتن انعطاف‌پذیری یا تغییر کاربری که با روح تئاتر ناسازگار است)، این آسیب‌ها نه تنها بر جنبه‌های کالبدی، بلکه بر ایدئولوژی نهفته در معماری تئاتر شهر نیز خدشه وارد می‌کنند و بنا را از "متن اصلی" خود دور می‌سازند. این امر می‌تواند به از دست رفتن سرزندگی، کاهش مشارکت عمومی و در نهایت تضعیف جایگاه فرهنگی بنا منجر شود.

بنابراین، به نظر می‌رسد اگر در طراحی‌های فضاها، فرهنگی تیپ معینی در نظر گرفته شود و صرفاً به ضوابط توجه شود و خلاقیتی به کار نرود، روز به روز کسالت محیط افزایش می‌یابد. در نتیجه، نیاز است تا معماران با بازی رمزگان‌های موجود و سعی در دگرگون کردن آنها، فرم‌آشنای معماری را خلق کنند. در واقع، به نظر می‌رسد ساخت بناهای فرهنگی با در نظر گرفتن شرایط روز معماری و دارا بودن دلالت‌های ضمنی و ایدئولوژیک، منجر به ارتقاء کیفیت فضاها، فرهنگی خواهد شد.

پی‌نوشت‌ها

Julia Kristeva [۳]	post structuralism [۲]	structuralism [۱]
Jacques Derrida [۶]	Gerard Genette [۵]	Roland Barthes [۴]
Robert Venturi [۹]	Le Corbusie [۸]	Graham Allen [۷]
Peter Collins [۱۲]	Kenneth Frampton [۱۱]	structuralism [۱۰]
Normative Criticism [۱۵]	Wayne Attoe [۱۴]	Bruno Zevi [۱۳]
Bakhtin [۱۸]	Jullia Kiristeva [۱۷]	Interpretive [۱۶]

ماخذ

- اتو، وین. (۱۹۷۸). *معماری و اندیشه نقادانه*. ترجمه امینه انجم شعاع. تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- احمدی، بابک. (۱۳۸۰). *ساختار و تائیل متن*. تهران: نشر مرکز.
- اسمعیلیان، سحر، رنجبر، احسان. (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی مولفه‌های موثر بر شکل‌گیری و انتقال خاطرات جمعی در فضاهای عمومی شهری؛ نمونه موردی: تهران، میدان تجریش، میدان بهارستان و میدانچه تئاتر شهر، فصلنامه معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۱(۲). https://www.armanshahrjournal.com/article_33474.html
- اکبرپور کیاسری، فاطمه، غیاثوند، مهدی. (۱۴۰۱). بینامتنیت و مساله زبان دین، دوفصلنامه علمی پژوهش‌های مابعدالطبیعی، ۳(۶). آئن، گراهام. (۲۰۰۵). *بینامتنیت*، ترجمه پیام یزدانجو. ۱۳۹۲، تهران: نشر مرکز. <https://ensani.ir/fa/article/527430/>
- بمانیان، محمدرضا، هانیه اخوت و پرهام بقایی. (۱۳۹۰). کاربرد هندسه و تناسب در معماری، تهران: انتشارات هله/طحان.
- چندلر، دانیل. (۲۰۰۷). *مبانی نشانه‌شناسی*، ترجمه مهدی پارسا. ۱۳۸۶، تهران: نشر کتاب امروز.
- حامدسقریان، مهدی، امیرشاه کرمی، بهادر. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر ظرفیت سالن‌های مجموعه تئاتر شهر تهران با تغییر درآمد آن‌ها از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ با تکیه بر نظریات ویلیام بامول، نشریه هنرهای زیبا، ۲۶(۲). https://jfadram.ut.ac.ir/article_82086.html
- رحیمی اتانی، سمیرا، بذرافکن، کاوه، رئیسی، ایمان. (۱۳۹۷). شیوه‌ی نوین خوانش متن معماری مبتنی بر نظریه بینامتنیت: (نمونه‌ی موردی: مسجد/الغدیر)، فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، ۴(۱). <https://ensani.ir/fa/article/413930/>
- رشیدی، صادق، عظیمی فرد، فاطمه. (۱۴۰۲). *از اقتباس تا بینامتنیت: بررسی مفهوم اقتباس از چشم‌انداز نظریه بینامتنیت و چند اصطلاح کلیدی*، پژوهش‌های بین رشته‌ای ادبی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۵(۱۰). https://lir.ihcs.ac.ir/article_8191.html
- رئیسی، محمدمنان. (۱۳۸۹). *معماری به مثابه متن: واکاوی امکانات و قرائت‌های مختلف از یک اثر معماری*، مجله منظر، ۷(۵۰). سجودی، فرزانه. (۱۳۸۷). *نشانه‌شناسی کاربردی*، تهران: نشر علم.
- سوسور، فردیناندو. (۱۹۹۵). *دوره‌ی زبان‌شناسی عمومی*. ترجمه کوروش صفوی، چاپ سوم. ۱۳۸۷، تهران: نشر هرمس.
- شاطریان، رضا. (۱۳۸۴). *تحلیل معماری مساجد ایران*. تهران: نشر نورپردازان.
- قاسمی‌نیا، مازیار، سلطان‌زاده، حسین، رئیسی، ایمان. (۱۴۰۰). *بینامتنیت: تبیین روابط میان یک اثر معماری با آثار دیگر بر پایه رویکرد بینامتنیت*، فصلنامه معماری و شهرسازی، ۱۴(۳۴). <https://ensani.ir/file/download/article/>
- کاتب، فاطمه، خودی، الدوز. (۱۳۹۴). *ایده‌های مشترک در طراحی مُد و معماری با رویکرد بینامتنی ژنت*، دوفصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه هنر، ۱۵(۱). <https://www.magiran.com/paper/>
- کالینز، پیتر. (۱۹۶۵). *تاریخ تئوری معماری: دگرگونی آرمانها در معماری مدرن*. ترجمه حسین حسن‌پور. ۱۳۷۵. تهران: نشر قطره.
- کاپن، دیوید اسمیت. (۱۹۹۹). *مبانی نظری معماری*. ترجمه علی یاران. ۱۳۸۳. تهران: نشر دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- مهندسین مشاور نقش. (۱۳۸۱). *نقد آثاری از معماری معاصر ایران*. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۴). *آشنایی با معماری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات سروش دانش.
- نامور مطلق، بهمن. (۱۳۹۰). *درآمدی بر بینامتنیت: نظریه‌ها و کاربردها*. تهران: انتشارات سخن.

- نجومیان، امیرعلی. (۱۳۹۶). *نشانه‌شناسی (مقالات کلیدی)*. تهران: انتشارات مروارید.
- نقره‌کار، عبدالحمید، و محمدمنان رئیس. (۱۳۹۰). تحلیل نشانه‌شناختی سامانه مسکن ایرانی بر پایه ارتباط لایه‌های متن/مسکن. *نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی* ۴۶ (۲): ۵-۱۴. https://jfaup.ut.ac.ir/article_25056.html
- وتوری، رابرت. (۱۹۹۵). پیچیدگی و تضاد در معماری. *دراز مدرن‌سیم تا پست مدرن‌سیم*. ویراسته لارنس کهن. ترجمه عبدالکریم رشیدیان. ۱۳۸۱. تهران: نشر نی.
- یوهانسون، یورگن دینس، و سوند اریک لارسن. (۲۰۰۲). *نشانه‌شناسی چیست؟* ترجمه سیدعلی میرعمادی. ۱۳۸۸. تهران: ورجاوند. -لوکوبوزیه. (۱۹۸۵). *به سوی یک معماری جدید*. ترجمه محمدرضا جودت. ۱۳۹۰. تهران: آرمانشهر.
- جنکز، چارلز. (۱۹۹۶). *پست‌مدرن‌سیم چیست؟* ترجمه فرهاد مرتضایی. ۱۳۷۹. تهران: کلهر.
- Ahmadi, Babak. (2001). *Structure and interpretation of the text*. Tehran: Markaz Publishing. [in Persian]
- Allen, Graham. (2005). *Intertextuality*. Translated by Payam Yazdanjou. 2013. Tehran: Markaz Publishing. [in Persian]
- Bemanian, Mohammad Reza, Haniyeh Okhovvat, and Parham Baqaee. (2011). *Application of geometry and parameters in architecture*. Tehran: Hale/Tahan. [in Persian]
- Capon, David Smith. (1999). *Architectural theory*. Translated by All Yaran. 2004. Tehran: Islamic Azad University, Science and Research Branch. [in Persian]
- Chandler, Daniel. (2007). *Semiotics: The basics*. Translated by Madgi Parsa, 2007. Tehran: Sureh Mehr Publications. [in Persian]
- Collins, Peter. (1965). *Changing ideals in modern architecture, 1750-1950*. Translated by Hossein Hasanpour. 1996. Tehran: Ghatre Publishing. [in Persian]
- Eco, Umberto. (2003). *Function and sign: The semiotics of architecture*. In *Rethinking Architecture A reader in cultural theory*, ed. N. Leach, 181-202, London, New York: Routledge, <https://designpracticesandparadigms>
- Frampton, Kenneth. (2007). *Modern architecture: A critical history (World of art)*. London: Thames & Hudson. <https://doubleoperative.com/>
- Genette, Gérard. (1997). *Palimpsests: Literature in the Second Degree*, Translated by Channa Newman and Clude Doubinsky. London: University of Nebraska Press. [in Persian]
- Johansen, Jørgen Dines, and Larsen Svend Erik. (2002). *Signs in use: An introduction to semiotics*. Translated by Seyyed Al Miramadi. 2009. Tehran: Varjavand Publishing. [in Persian]
- Jencks, Charles. (1996). *What is Post-Modernism?* Translated by Farhad Mortezaei, 2000. Tehran: Kalhor. [in Persian]
- Kristeva, Julia. (1980). *The bounded text*. In *Desire in language: A semiotic approach to literature and art*. Leon S. Roudiez ed. Oxford: Blackwell. <https://www.english.cam.ac.uk/>
- Le Corbusier. (1985). *Towards a new architecture*. Translated by Mohammadreza Jowdat 2011. Tehran: Armanshahr [in Persian]
- Memarian, Gholam Hossein. (2005). *Introduction to islamic architecture of Iran*. Tehran: Soroush Danesh Publishing. [in Persian]
- Naghsh Consulting Engineers. (2002). *Review of works of contemporary Iranian architecture*. Tehran: Ministry of Housing and Urban Development, Center for Research and Development of Urban and Architecture, [in Persian]
- Namvar Motlagh, Bahman. (2011). *An introduction to the theory and application of intertextuality*. Tehran: Sokhan Publishing. [in Persian]
- Noghrekar, Abdolhamid, and Mohammadmanan Raeesi. (2011). "Semiological Analysis of Iranian Housing System Based on the Relationship between Text/Housing Layers." *Journal of Fine Arts, Architecture and Urban Planning*. 45(2): 5-14. [in Persian]

- Nojumiyan, AmirAli. (2017). *Semiotics (Key Issues)*. Tehran: Morvarid Publications. [in Persian]
- Otto, Wayne. (1978). *Architecture and critical imagination*. Translated by Amineh Anjom SHoaa. 2005. Tehran: Academy of Art <https://ensani.ir/file/download/article/>
- Raeesi, Mohammadmanan. (2010). *Architecture as text: Examining the opportunity and the different readings of architecture*. <https://ciauj-tabriziau.ir/>
- Shaterian, Reza. (2005). *Architectural analysis of mosques in Iran*. Tehran: Noor Pardazan Publishing. [in Persian]
- Sojoodi, Farzan. (2008). *Applied semiotics*. Tehran: Nashr-e Elm. [in Persian]
- Venturi, Robert. (1995). *Complexity and contradiction in architecture*. In from modernism to postmodernism: an anthology, Lawrence Cahoon, ed. Translated by Abdolkarim Rashidian. 2002. Tehran: Nay Publishing. [in Persian]

Analyzing the pathology of the city theater architecture with an intertextual approach

Hossein Tavakolian¹

Hossein Soltanzadeh²(corresponding author)

Shervin Mirshahzadeh³

Mohammad Mohammadzadeh Dogahe⁴

Abstract:

The architecture of the City Theater is considered a landmark work in modern Iranian architecture. The design of the building was inspired by traditional Iranian architecture and combined with a modern style. One of the important challenges in understanding architectural works has been the neglect of the textual layers that influence their formation. The theory of intertextuality, by examining the audience's sense and perception of an architectural work in an intertwined network of meanings, has provided a valuable tool for analysis. The present study aims to analyze the pathology of the landmark architecture of the City Theater and identify the intertextual components in the formation of the building. The main goal was to analyze the relationships between architectural elements and intertextual communication in the architecture of the City Theater over time. The main question of this study is what were the damages in the architecture of the City Theater and how has the architecture of the building been interpreted from an intertextual perspective? This research was of a mixed type and, using analytical-descriptive and interpretative-historical methods, examined the architecture of the city theater. The final analysis and matching of the concept of intertextuality with the spatial and physical characteristics of the city theater was carried out using logical reasoning. The research findings indicate that the network of intertextuality in terms of concept and the way it is formed in the city theater has a structured relationship with its spatial diagram. The formation of formal elements such as lines and overall volume represents regular geometry and how it is connected to the ground. The spatial diagram of the city theater, with an emphasis on the building plan, has an intermediate space between the shell and the outer porch and the core of the building. The organization of the space is such that spaces with a specific function, such as the theater, are in the core of the building and the rest of the spaces are flexible. In fact, the connection with texts in different cultural contexts has formed an intercultural connection in the city theater

Keywords: City theater, city theater architecture, city theater spaces, intertextual approach, intertextuality in city theater.

¹ : Department of Architecture and Urbanism, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

² : Department of Architecture and Urbanism, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
(email: Hos.Soltanzadeh@iau.ac.ir)

³ : Department of Architecture and Urbanism, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

⁴ : Department of Architecture, Rudbar Branch, Islamic Azad University, Rudbar, Iran.